

تبیین نظام اخلاقی دین زرتشت بر اساس متون اندرزی پهلوی

فاطمه سادات اسحاقی*

چکیده

مقاله حاضر در پی تبیین نظام اخلاقی دین زرتشتی بر اساس متون اندرزی پهلوی است؛ متونی که بیانگر باورها و عقاید ایرانیان پیش از اسلام با صبغه زرتشتی است. بر اساس این گفتارها، می‌توان گفت نظام اخلاقی‌ای که از متون اندرزی پهلوی به دست می‌آید، شامل چهار شیوه مهم عملی است که در زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی نمود یافته است که هر یک از این خصایص با یکدیگر رابطه متقابل و دوسویه دارد و پای‌بندی به یک ساختار و خصیصه، پای‌بندی به سایر صفات و خصایص را به همراه دارد؛ و تمام تلاش آنها رسیدن به یک نظام اخلاقی منسجم است که سعادت فردی و اجتماعی انسان را در دو جهان مینوی و گیتی تأمین و تضمین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: دین زرتشتی، نظام اخلاقی، متون پهلوی، دینکرد، اندرزنامه.

مقدمه

«اخلاق» در لغت جمع واژه «خلق» به معنای خوی‌ها است، و در اصطلاح، علم مطالعه و ارزش‌گذاری بر خوی‌ها و رفتار آدمی است. از دیدگاه فلاسفه، اخلاقیات اعم از عشق، نفرت، صداقت، وفاداری، دروغ‌گویی و ... بخشی از عالم واقع است و شناخت آنها همانند شناخت دیگر عناصر جهان لازم است (فانی و خرماهی، ۱۳۷۵: ۴۹). شناخت مباحث اخلاقی به عوامل مهمی بستگی دارد، اما فیلسوفان فلسفه اخلاق برای شناخت و توجیه مباحث اخلاقی دست به دامن دو عامل مهم دین و جامعه شدند که تنها راه صلاح و رستگاری و اخلاق‌مند کردن جامعه را در آن می‌دانند. در خصوص پیشینه مباحث اخلاقی مسائل بسیاری مطرح شده و بحث از آن از حوصله این مقاله خارج است، اما به طور مختصر به پیشینه این مباحث در ایران اشاره می‌شود.

۱. اخلاق در ایران

تاریخ مباحث اخلاقی در ایران به اندرزنانه‌های پهلوی باز می‌گردد. در این سلسله آثار، غالباً به اخلاق عملی و فردی پرداخته شده و هرگز در حوزه مبانی اخلاقی و نقد اندیشه‌ها و عادات اخلاقی بحثی صورت نگرفته است. در قرون نخستین اسلامی، با ترجمه آثار ایرانی از زبان پهلوی به عربی، اندرزنانه‌های ایرانی به کتب عربی راه یافت و نمونه‌هایی از آن در مباحث اخلاق اسلامی وارد شد. در *الفهرست* ابن‌ندیم، نام ۴۴ متن پهلوی که به عربی ترجمه و اقتباس شده و غالباً در حوزه حکمت عملی است، ذکر شده است (ابن‌ندیم، ۱۳۸۴: ۵۸).

از ویژگی‌هایی که می‌توان در متون پهلوی از مباحث اخلاقی به دست آورد، باید به مواردی چون دین‌مدار بودن، خردورزی و راست‌گویی، اعتقاد به میان‌روی، اعتقاد به پندپذیری، اعتقاد به کار و تلاش، اعتقاد به بخت و سهم و اعتقاد به کار نیک کردن اشاره کرد. برخی اهداف که این ویژگی‌ها دنبال می‌کنند عبارت است از: سعادت و نجات روان شخص در جهان مینوی، آرامش و آسایش و ارضائات اخلاقی درونی در جهان گیتی یا مادی. این ویژگی‌ها را می‌توان در چهار ساحت تقسیم کرد: ۱. ساحت فردی یا اخلاق فردی که شخص تمام تلاش خود را انجام می‌دهد تا با رعایت کردن تمام موازین اخلاقی و بهداشت روانی پا را از هنجارها فراتر نگذارد؛ ۲. ساحت

خانوادگی یا اخلاق خانوادگی که برای حفظ اصلی‌ترین قسمت اجتماع به آن توجه می‌شد؛ ۳. ساحت اجتماعی یا اخلاق اجتماعی که به روابط فرد در جامعه و نقشی که او در این باره ایفا می‌کند می‌پردازد؛ ۴. ساحت سیاسی یا اخلاق سیاسی که به روابط متقابل شاهان و سیاست‌مداران با مردم می‌پردازد.

۲. ویژگی‌های اخلاقی در متون اندرزی

۲.۱. اعتقاد به پندپذیری و مشورت با بزرگان

توجه به سخنان دانایان، موبدان، دستوران و بزرگان همواره از صفات نیک اخلاقی ایرانیان باستان بوده که دین زرتشتی نیز سفارش‌های بسیاری به انجام آنها کرده است. در دینکرد ششم، که مهم‌ترین کتاب اندرزی پهلوی است در این باره آمده است که برترین چیز مشورت با نیکان است، چه مشورت، نیایش ایزدان است (Shaked, 1979: 145). از نیکان باید پرسید که چه است اهلائی، و چه است کرفه، و چه است راستی، و چه است خویش‌کاری، و چه است راستی ... (ibid.: 146). باز در جای دیگری آمده است که ایزدان ترس باشید و هیچ کاری را بدون مشورت با نیکان نکنید (ibid.: 141). در یادگار بزرگ‌مهر آمده که، چه چیز نیک‌تر است؟ با بهان بودن؛ و چه چیز سودمندتر است؟ با دانایان نشستن؛ و چه چیز ارزشمندتر است؟ دوستی با دانایان و بهان (عریان، ۱۳۸۲: ۱۰۶). از گذشته تا به امروز اهمیت احترام به بزرگان و گوش کردن به سخنان و پندهای ایشان از جمله مسائل اساسی بوده است که بیانگر ویژگی‌هایی چون فرهیختگی، دینداری، صبوری و کارآزمودگی ایرانیان بوده است و کسی که به گفته‌های این بزرگان دینی گوش فرا دهد، دچار ضلالت و بدعت نمی‌شود و همواره در مسیر کردار و گفتار و پندار نیک قدم می‌گذارد.

۲.۲. خردورزی و دانایی

خرد پیوند نزدیکی با کردار دینی و اخلاقی دارد و در شناخت ویژگی‌های اخلاقی بسیار مؤثر است و به وسیله خرد تشخیص کارهای نیک و بد از یکدیگر و پیدا کردن راه رستگاری آسان‌تر است. اهمیت خرد به قدری است که در کتاب‌های مختلف پهلوی، از جمله مینوی خرد، از آن بسیار صحبت به میان آمده و همواره به عنوان یکی

از موارد موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی معرفی شده است. در دین زرتشتی خرد به دو گونه است: یکی آسن خرد (AsN xrad) یا خرد ذاتی و دیگری گوشوسرود (goSosrUd xrad) یا خرد اکتسابی (میرفخرایی، ۱۳۹۲: ۱۹۹).

خرد بهترین موهبت برای انسان زرتشتی است که خوشبختی‌های فراوانی برای او به ارمغان می‌آورد و آن را با هنر یکسان می‌دارند و می‌گویند هر کسی را که خرد است هنر نیز هست و هر کسی را که خرد نیست، هنر نیز در او وجود ندارد. زیرا هر کسی بر اساس خرد، کار نیک انجام می‌دهد. باز در مینوی خرد آمده است که خردی که با آن نیکی نیست، آن را خرد نباید شمرد و هنری که خرد با آن نیست، آن را هنر نباید شمرد (تفضلی، ۱۳۷۹: ۳۳). در یادگار بزرگ‌مهر آمده که در دین بهی چه کسی کامل‌تر است؛ [گوید] آنکه داناتر است؛ و چه کسی داناتر است؟ آنکه فرجام تن را بداند، دشمن روان را بشناسد و [خود را در] پاییدن خویشتن از دشمن روان و بی بیم داشتن بسیار توانا بداند. در جای دیگر آمده است که آفریدگار اورمزد در گیتی هیچ آفریده‌ای خلق کرده است که اهریمن نتواند به او آسیب برساند ...؟! ... به مردم خردمند و خرسند کمتر می‌تواند آسیب برساند (Shaked, 1974: 34). باز در همان‌جا آمده است که ... این چند دسته مردم را باید توانگر به شمار آورد: یکی آنکه به خرد کامل‌تر است ... و این چند دسته مردم را باید درویشان به شمار آورد ... یکی آنکه خرد ندارد (ibid.: 35). خرد در دین زرتشتی ابزاری است که احترام به نیکان و بزرگان با آن به دست می‌آید (ibid.: 137) و مرد پر خرد کسی است که در هر گاهی فرجام گیتی را به یاد داشته باشد و از شاخصه‌های خرد، فرزاندگی، جوان‌مردی و امید به فرشگرد است (ibid.: 163). در دین زرتشتی خرد را به جوهره آتش مانند می‌کنند که همان‌طوری که آتش را هر کجا فروزند، از دور هویدا می‌شود و نجات‌یافته و ناپاک را آشکار می‌کند، خرد نیز هر جای که به کمک بهدینان آید همه مسائل را برای آنها برطرف می‌کند (ibid.: 141).

۲.۳. اعتقاد به کار و تلاش

منظور از کار و تلاش در دین زرتشتی در بیشترین بسامد آن منحصر به کار و آبادانی روی زمین‌های زراعی و کشاورزی است. زیرا کشاورزی در دین زرتشتی بسیار محل توجه بوده، بهترین نوع ثواب به حساب می‌آمده و حتی بسیاری از اعیاد و جشن‌های

دین زرتشتی بر اساس کشاورزی چیده شده که در اثر کار و تلاش فرد زرتشتی شکل می‌گرفت و بستگی به امور کشاورزی داشت؛ هرچند بعدها این جشن‌ها را به خود زرتشت نسبت داده‌اند اما در حقیقت از یک طرف برای ترویج کشاورزی و از طرف دیگر برای حضور توانگران و تهی‌دستان در این جشن‌ها و در نتیجه تجدید و تحکیم دوستی‌ها بوده است (بویس، ۱۳۸۱: ۵۸).

در اندرز آذربادمارسپندان آمده است که «اگر تو را خواسته بود نخست آب و زر و زمین بیش بخر، چه اگر بر ندهد پس آن را بن به میان بود». در جای دیگر آمده «بر زمین ورز (زراعت) خوب کنی، چه هر کس را زیوش و پرورش از روی زمین اسپندار آمد است» (عریان، ۱۳۸۲: ۷۹). در مینوی خرد آمده قدرت نیک آن است که کسی کشور آبادان ... نگاه دارد. باز در آنجا آمده است که وظیفه کشاورزان، کشاورزی و آبادانی کردن و تا حد امکان جهان را راحتی بخشیدن و آباد داشتن است (تفضلی، ۱۳۷۹: ۴۸).

۲. ۴. اعتقاد به میانه‌روی

اعتقاد به میانه‌روی در بین متون اندرزی پهلوی بسیار به کار رفته و همواره به انجام دادن آن سفارش شده است. در متون پهلوی واژه «پیمان» بسیار استفاده شده که یکی از معانی‌ای که برای آن در نظر گرفته‌اند میانه‌روی و اعتدال است. همواره پیمان در خوردن و آشامیدن و سخن گفتن سفارش شده است. در واقع، پیمان در مناسبات اجتماعی، نیک‌بختی فرد دیندار را به ارمغان می‌آورد. در دینکرد ششم آمده است که «از پیمان، راه به بهشت و از زیاده‌روی، راه به دوزخ می‌رسد» (Shaked, 1979: 106). باز در همان‌جا آمده است که «خیر، گیتی را بی پیمان نیارایید، چه مرد بیش از اندازه گیتی آرای، مینو را بیاشوبد» (ibid.: 123). شاید بتوان جمله اخیر را این‌طور توجیه کرد که آنچه از حد اعتدال خود خارج شود موجب آسیب‌های روانی و اجتماعی می‌شود و در واقع نوعی بیماری روانی به حساب می‌آید. در اندرز مارسپندان آمده که «به اندازه خورید تا دیرپای باشید، چه به اندازه‌خوری، به تن نیک است و به اندازه‌گویی به روان» (ماهیار نوابی، ۱۳۵۸: ۳-۱/۵۶۲).

۲.۵. اعتقاد به بخت و تقدیر

اعتقاد به تقدیر آدمی را در برابر مشکلات مقاوم‌تر و هضم آنها را ساده‌تر می‌کند و خرسندی و آرامش را برای انسان به ارمغان می‌آورد؛ چراکه شخص با این عمل برخی از وقایع را بالاتر از حد توان خویش می‌داند و آن را ناشی از تقدیر الاهی و نیروهای مینوی قلمداد می‌کند و به سهم خویش دل‌خوش و خرسند می‌شود. بیشترین نمود این اصل را می‌توان در کتاب اندرز مینوی خرد جست‌وجو کرد. مثلاً در آنجا آمده است که «پرسید دانا از مینوی خرد که با کوشش، چیز و خواسته گیتی را می‌توان به دست آورد یا نه؟ مینوی خرد پاسخ داد که با کوشش آن نیکی را که مقدر نشده است، نمی‌توان به دست آورد، ولی آنچه مقدر شده است با کوشش زودتر می‌رسد» (تفضلی، ۱۳۷۹: ۴۲)؛ و در ادامه آمده است که «با خرد و دانایی با تقدیر می‌توان ستیزه کرد یا نه؟ ... پاسخ داد که حتی با نیرو و زورمندی خرد و دانایی هم با تقدیر نمی‌توان ستیزه کرد. چه هنگامی که تقدیر برای نیکی یا بدی فرا رسد، دانا در کار، گمراه، و نادان، کاردان، و بددل، دلیرتر، و دلیرتر، بددل و کوشا، کاهل و کاهل، کوشا شود و چنان است که با آن چیزی که مقدر شده است سببی نیز همراه می‌آورد و هر چیز دیگر را می‌رساند» (همان). نمونه بارز دیگر این تفکر در مینوی خرد است که هر نیکی و بدی که به مردمان و نیز به آفریدگان دیگر می‌رسد، از هفتان (هفت سیاره) و دوازدهان (دوازده برج) می‌رسد و آن دوازده برج در دین به منزله دوازده سپاهبد از جانب اهرمن خوانده شده‌اند و همه آفریدگان را آن هفت سیاره شکست می‌دهند و به مرگ و هر گونه آزار می‌سپارند؛ به طوری که آن دوازده برج و هفت سیاره تعیین‌کننده سرنوشت و مدبر جهان‌اند (همان: ۳۲).

در دینکرد ششم در این باره آمده است که «نسبت به بغوبخت [= تقدیر] خرسند باش، چه همیشه اندر خرسندی زیود کسی که نسبت به بغوبخت خرسند نباشد» (Shaked, 1979: 183)؛ و نیز در جای دیگر آمده «کسی که از بغوبخت خویش نشناختن، ناخرسندی و از ناخرسندی، خواهش و نانیک‌روزی و نارجمندی باشد ...» (Ibid.: 194)؛ و هر چیز را بنا بر گفته دینکرد می‌توان دگرگون کرد، مگر بغوبخت را (ibid.: 170).

۲.۶. دین‌مدار بودن

ویژگی‌ای که در متون اندرزی پهلوی بسیار مهم است و حتی در دین زرتشتی مهم‌ترین اصل

است و همواره بدان سفارش شده دین و دیندار بودن و ضمانت اخلاقی و اجرا و عمل به آن است. البته این اصل فقط در متون اندرزی نمودار نیست، بلکه در کلیه متون دین زرتشتی تسری دارد. در مینوی خرد آمده که در سپاس‌گزاری به ایزدان و پرستش و نیایش و عبادت و دعا و تعلیم و فرهنگ (تربیت) کردن کوشا و جان‌سپارش باش (تفضلی، ۱۳۷۹: ۲۲). در دینکرد ششم آمده که دین کرفته‌گری است؛ خیم و خرد در دین است؛ جوهره دین بی‌گناهی است؛ دین بهترین خصایل همچون راستی، رادی، هنرمندی، کوشایی و میانجی‌گری را در بر می‌گیرد؛ به دین همیشه باید عمل کرد؛ و دین آن است که آدمی برای آفریدگان آسایش را طلب کند؛ دین گهواره پیمان است و بالاترین پیمان، انجام دادن کار ثواب است و گفتار و پندار و کردار نیک بزرگ‌ترین حد پیمان شمرده می‌شوند (Shaked, 1979: 88).

در گفتار بزرگ‌مهر آمده است که چه کسی بی‌گناه‌تر است، آن‌که بر قانون یزدان راست‌تر بایستد و از قانون دیوان بپرهیزد و چه باورکردنی‌تر است؟ آیین یزدان و چه بدتر است؟ بی‌اعتقادی و کج‌اندیشی و چه چیزی بر فراز هر چیزی است؟ اراده یزدان (عریان، ۱۳۸۲: ۱۵۱).

۲.۷. کار نیک کردن

کرفته (کار نیک) کردن و دوری از بزه یکی از موضوعاتی است که در دین زرتشتی درباره آن بحث شده و در همه جا بر آن تأکید داشته‌اند و گفته شده است که مرد کرفته‌گر با اعمال خویش و کرفته‌ای که انجام می‌دهد، باعث می‌شود ایزدان اندر تن او وارد شوند و دیوان راهی به اندیشه او پیدا نکنند (Shaked, 1979: 39). انجام دادن کارهای نیک و دوری از گناه، رستگاری پس از مرگ را در دین مزدیسنا بی‌تضمین می‌کند.

در اندرز دانایان آمده است که «با اندیشه برای روان، کار و کرفته کنید و اهلاایی را پرسیدار باشید» (عریان، ۱۳۸۲: ۷۱). در اندرز خسرو قبادان آمده که «ای مردمان! از گناه کردن بپرهیزید و به کرفته‌ورزی کوشا باشید» (همان: ۶۰). در اندرز انوشه روان آمده که «پسر من کرفته‌اندیش باش نه گناه‌اندیش، چه مردم تا جاودان‌زمان زنده نیستند، چه چیز مینوی بایسته‌تر است». در همان‌جا آمده که «کرفته پروراننده روان است، چونان پدر و مادر بر فرزند. کرفته کردن در گشادن به بهشت روشن است. کرفته همانند است به گرزمان، خانه هر مزد، که مهتر و بهتر و نیکوتر است» (همان: ۷۷).

۳. رابطه دوسویه ویژگی‌های اخلاقی

رابطه بین ویژگی‌های اخلاقی ذکر شده در متون اندرزی پهلوی، رابطه‌ای دوسویه و متقابل است و هر کدام از آنها می‌تواند موارد دیگر را نیز در بر گیرد. بدین شکل که شخصی که اصل دین‌مدار بودن را در پیش می‌گیرد در عین حال دربردارنده میانه‌روی، خردورزی، بخت و غیره است و میانه‌روی نیز منشأ دین، بخت و مشورت است و از طریق مشورت با بزرگان است که می‌توان به فهم دقیق در امور دینی و خرد و بخت و میانه‌روی رسید. باید گفت هر یک از این ویژگی‌ها وحدتی در عین کثرت و کثرت در عین وحدت‌اند (قادری، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

جمله‌ای از دینکرد ششم این رابطه دوطرفه را به بهترین نحو بیان می‌کند:

خرد آن است که خویش را نفریبد، و دین آنکه تا می‌توانید کرفته کنید، در خیم، خرد نیست، در خرد، خیم نیست و خیم و خرد هر دو اندر دین‌اند. دین همان پیمان است، ابزار خرد، هم‌پرسی با نیکان است؛ بالاترین چیز هم‌پرسی با نیکان است، چه هم‌پرسی با نیکان، نیایش دین ایزدان است، از نیکان باید پرسید که خویش کاری چیست؛ به درگاه نیکان و دانایان روید، تا داناتا شوید و دین را بر تن مهمان‌تر کنید ... هر چیز را دگرگونی ممکن است، مگر بخت؛ و دارایی مردمان خرد است (Shaked, 1979: 31).

البته هر یک از اینها خود مجموعه‌ای از صفات اخلاقی دیگر را نیز در بر می‌گیرد. مثلاً خرد خود دربردارنده خرد ذاتی و خرد فطری و خوی نیک است؛ و دین‌مدار بودن خود دربرگیرنده رادی، سپاس‌داری، یگانگی و کامل‌اندیشی است و میانه‌روی خود شامل راست‌گویی، درست‌کاری و احترام است و بخت نیز دربردارنده دینداری، صبر، شکیبایی، تحمل رنج، سختی و شکرگزاری است.

۴. حوزه‌های اخلاقی

تمام این ویژگی‌ها را که در متون اندرزی برشمردیم به چهار حوزه اخلاق فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی باز می‌گردد. تمامی این حوزه‌ها بعداً در دوره اسلامی جزء حوزه کلی‌تر قرار می‌گیرند و در آنجا رواج پیدا می‌کنند و ادبیات اندرزی را شکل می‌دهند.

۴. ۱. اخلاق فردی

در این حوزه از اخلاق، فرد با رعایت مجموعه‌ای از ویژگی‌های درونی و روانی به حفظ و بهداشت روان خود کمک می‌کند تا از لحاظ روانی و ذهنی از پلشتی و پلیدی آسوده شود و بتواند روابط بهتری با اعضای خانواده و جامعه و دیگر افراد برقرار کند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: نیکی به دیگران، استفاده از خرد، تمسک به دین ایزدان، کرفه‌گری، دوری از بیگانگان، پرهیز از زن کسان، راست‌گویی، سپاس‌داری، سخن‌سنجی، ایمان به روز شمار، ایمان به مینو، مهرورزی، ایمان به وجود روان، بخشش، توجه، خویش‌کاری، رازداری و

و کارهایی که شخص با انجام دادن آنها بهداشت روان خود را به خطر می‌اندازد و پا را از اخلاق فردی فراتر می‌گذارد و از راه آن عدول می‌کند عبارت‌اند از: دروغ‌گویی، دزدی، گناه، بی‌ایمانی، نام و ننگ، تباهی، رازدار نبودن، بدعت، بی‌ایمانی به روز شمار، کینه‌توزی، اندوه، انجام کار بد، تن دادن به خواهش نفس، به تأخیر انداختن امور، از دست‌رنج دیگران خوردن.

۴. ۲. اخلاق خانوادگی

اگر بخواهیم مواردی را که در حوزه اخلاق خانوادگی است برشماریم باید به مسائلی چون ازدواج و گزینش همسر، تربیت فرزندان، احترام به همسر و دوست داشتن و شوهرداری، مهمان‌داری، احترام به پدر و مادر و پاک نگه داشتن خانه و محل سکونت اشاره کنیم (Shaked, 1979: 119, 106-107).

۴. ۳. اخلاق اجتماعی

رعایت کردن اخلاق اجتماعی به رابطه فرد با محیط و مردم اطرافش باز می‌گردد که موجب آرامش و عزت او می‌شود و پیروزی و موفقیت او را به همراه دارد. در متون اندرزی پهلوی آمده که فرد در جامعه با سه گروه اجتماعی معاشرت می‌کند: آنان که پایین‌تر از اویند؛ آنان که همتای وی؛ و آنان که بالاتر از اویند. برای پاییدن تن و روان بهتر است فرد، پایین‌تر از خود را همتا، همتا را برتر و برتر را سالار بدارد. دلیری هر کس زمانی آشکار می‌شود که در هنگام فقر و تنگ‌دستی ببخشد و راست‌گو باشد و

دوستی هر کس به هنگام فقر و تنگدستی آشکار می‌شود. شخص باید به بزرگان احترام گزارد و از فرودستان دست‌گیری کند و به همتایان سود رساند و در منزل او به روی مهمان گشوده باشد (ibid.: 112-113).

۴. ۴. اخلاق سیاسی

اخلاق سیاسی که مربوط به آیین کشورداری و سیاست مدن می‌شود و در واقع همان منشور سیاسی است که در متون اندرزی پهلوی جایگاه خاصی دارد. این نوع اخلاق به روابط متقابل میان پادشاهان و مردم می‌پردازد. پادشاه خوب آن است که نیکان را نگاه دارد و از بدان دوری جوید. مردم نیز باید احترام حاکم را نگاه دارند و به آرامش او بیندیشند. دشمن هر حاکمی افراط و تفریط و استبداد است. مردم وظیفه دارند استبداد را از جهان بر کنند اما بدان‌گونه که جوان‌مردی و بزرگواری را زیر پا نگذارند. پادشاه و توانگر باید در پادشاهی استوار باشد و غره نشود. زیرا این کار همیشه به او گزند و سختی می‌رساند. بدعت و افراط و استبداد دشمن پادشاه و پادشاهی است (ibid.: 112, 126, 139, 177-178).

نتیجه

با بررسی متون اندرزی پهلوی می‌توان گفت پیش‌زمینه اخلاقیاتی که بعد از ورود اسلام به ایران در بین آثار کلاسیک اسلامی - ایرانی رواج پیدا کرد، به پیش از ورود اسلام به ایران و به پیروان زرتشت باز می‌گردد. دین ایرانیان باستان - زرتشتی - دینی اخلاق‌مدار و فضیلت‌گراست، به طوری که بسیاری از مباحث اخلاقی را که امروزه در بین متفکران علم اخلاق رواج دارد پیش‌تر ایرانیان بیان کرده‌اند. از ویژگی‌هایی که این دین بسیار برای آن ارزش قائل است و انجام دادن آن را سفارش کرده می‌توان به پندپذیری و مشورت با بزرگان، خردورزی و دانایی، اعتقاد به کار و تلاش، اعتقاد به میان‌رویی، اعتقاد به بخت و تقدیر، دین‌مدار بودن، کار نیک کردن و غیره اشاره کرد که تمام اینها در چهار ساحت فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی قرار می‌گیرند و هدف آنها علاوه بر رعایت بهداشت روانی، سعادت و نجات شخص از جهان مادی و گیتی به جهان مینوی و رستگاری است.

منابع

ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۸۴). *الفهرست*، ترجمه: محمدرضا تجدد، تهران: انتشارات اساطیر.

بویس، مری (۱۳۸۱). *زرتشتیان؛ باورها و آرا و عقاید آنها*، ترجمه: عسگر بهرامی، تهران: انتشارات ققنوس.

تفضلی، احمد (۱۳۷۹). *مینوی خرد*، تهران: انتشارات توس.

تفضلی، احمد (۱۳۸۳). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، چاپ چهارم، به کوشش: ژاله آموزگار، تهران: انتشارات سخن

رضایی باغبیدی، حسن (۲۰۰۹). *تاریخ زبان‌های ایرانی*، مرکز پژوهش زبان‌های دنیا، دانشگاه اوساکا.

صانعی دره‌بیدی، منوچهر (۱۳۷۷). *فلسفه اخلاق و مبانی رفتار*، تهران: نشر سروش.

عریان، سعید (۱۳۸۲). *متن‌های پهلوی*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

فانی، کامران؛ خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۵). *دایرة‌المعارف تشیع*، تهران: نشر شهید محبی.

قادری، تیمور (۱۳۸۲). «اخلاق ایرانی به روایت متون پهلوی»، *مجله مطالعات ایرانی دانشگاه باهنر کرمان*، س ۲، ش ۲، ص ۱۲۸-۱۳۶.

ماهیار نوابی، یحیی (۱۳۵۸). *مجموعه مقالات*، ج ۱، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.

میرفخرایی، مهشید [مترجم] (۱۳۹۲). *بررسی دینکرد ششم*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Shaked, Sh. (1979). *Wisdom of the Sassanian Sages*, West Wiew Press.

